

دعای ۱- ستایش و ثنای خداوند



الْحَمْدُ لِلَّهِ الْأَوَّلِ بِلاَ أَوَّلٍ كَانَ قَبْلَهُ،

همهٔ حمد و سپاس خداوندی را که نخستین است و پیش از او چیزی نبوده است.

وَالْآخِرِ بِلاَ آخِرٍ يَكُونُ بَعْدَهُ،

و اوست پایان، بی آنکه پس از او پایانی باشد.

الَّذِي قَصُرَتْ عَنْ رُؤْيَيْهِ أَبْصَارُ النَّاطِرِينَ وَعَجَزَتْ

عَنْ نَعْتِهِ أَوْهَامُ الْوَاصِفِينَ.

همان خدایی که دیدهٔ بینندگان از دیدنش قاصر، و اندیشه و فهم وصف‌کنندگان از وصفش عاجز است.

إِبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخُلُقَ ابْتِدَاعاً، وَاخْتَرَعَهُمْ عَلَى

مَشِيَّتِهِ اخْتِرَاعاً،

به دست قدرتش آفرینش را از نیستی پدید آورد و مخلوقات را بر اساس مشیت خود، با نگاهی نو آفرید.

ثُمَّ سَلَكَ بِهِمْ طَرِيقَ إِرَادَتِهِ، وَبَعَثَهُمْ فِي سَبِيلِ
مَحَبَّتِهِ،

سپس آن‌ها را در مسیر اراده‌اش به حرکت درآورد و در راه
محبت خود روانه ساخت

لَا يَمْلِكُونَ تَأْخِيرًا عَمَّا قَدَّمَهُمْ إِلَيْهِ

نه می‌توانند چیزی را که خدا پیش انداخته به تأخیر
بیندازند،

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَقْدُمًا إِلَىٰ مَا آخَرَهُمْ عَنْهُ

و نه توان آن را دارند که به چیزی که خدا به تأخیر
انداخته، پیشی بگیرند.

وَجَعَلَ لِكُلِّ رُوحٍ مِنْهُمْ قُوتًا مَعْلُومًا مَقْسُومًا مِنْ
رِزْقِهِ،

برای هریک از آنها، رزق معین و اندازه‌گیری شده از بخشش
خود مقرر فرمود؛

لَا يَنْقُصُ مَنْ زَادَهُ نَاقِصٌ، وَلَا يَزِيدُ مَنْ نَقَصَ
مِنْهُمْ زَائِدٌ.

هر کس را که روزی فراوان نصیبش کرده، کسی
نمی‌تواند از آن بکاهد و هر کس را که روزی‌اش را کم قرار
داده، کسی نمی‌تواند به آن بیفزاید.

ثُمَّ ضَرَبَ لَهُ فِي الْحَيَاةِ أَجَلًا مَوْقُوتًا، وَنَصَبَ لَهُ
أَمَدًا مَحْدُودًا يَتَخَطَّى إِلَيْهِ بِأَيَّامِ عُمْرِهِ،

آنگاه برای وی در زندگی مدتی مشخص قرار داد و پایانی معلوم
معین فرمود که با روزهای عمرش به سوی آن قدم برمی دارد

وَيَرَهْقُهُ بِأَعْوَامٍ دَهْرِهِ، حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَقْصَى أَثَرِهِ
وَاسْتَوْعَبَ حِسَابَ عُمْرِهِ،

و با سال های روزگارش به آن می رسد، تا چون به آخر آن رسید و
پیمانه زمانش لبریز شد،

قَبَضَهُ إِلَى مَا نَدَبَهُ إِلَيْهِ مِنْ مَوْفُورِ ثَوَابِهِ أَوْ مَحْذُورِ
عِقَابِهِ

پس جان او را می گیرد و به سوی آنچه وعده داده بود می برد: یا
پاداشی فراوان، یا عذابی ترسناک.

﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ
أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى﴾ عَدْلًا مِنْهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ
وَتَظَاهَرَتْ آلَاؤُهُ، ﴿لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ
يُسْئَلُونَ﴾

«تا کسانی که بد کرده اند، به اندازه عملشان جزا ببینند،
و کسانی که نیکی کرده اند، به بهترین پاداش برسند.»
این همه، از روی عدالت اوست؛ خدایی که نام هایش پاک و

مقدس است و نعمت‌هایش بی‌پای و بی‌شمار «اواز آنچه انجام می‌دهد مورد سؤال قرار نمی‌گیرد، و ایشانند که مورد پرسش واقع می‌شوند.»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَوْ حَبَسَ عَنْ عِبَادِهِ مَعْرِفَةَ حَمْدِهِ
عَلَى مَا أَبْلَاهُمْ مِنْ مِّنْهِ الْمُتَتَابِعَةِ وَأَسْبَغَ عَلَيْهِمْ
مِنْ نِّعَمِهِ الْمُتَظَاهِرَةِ،

و همهٔ حمد و ستایش مخصوص خدایی است که اگر شناختِ سپاس‌گزاری از نعمت‌های بی‌دریغی‌اش را از بندگان دروغ می‌کرد، و در برابر آن همه لطف آشکاری که بر آن‌ها فروریخت، راه حمد و شکر را به رویشان نمی‌گشود،

لَتَصَرَّفُوا فِي مِّنْهِ فَلَمْ يَحْمَدُوهُ وَتَوَسَّعُوا فِي رِزْقِهِ
فَلَمْ يَشْكُرُوهُ،

بندگان نعمت‌های او را صرف می‌کردند ولی سپاسش را به جا نمی‌آوردند، از روزی‌اش بهره می‌بردند اما شکرش نمی‌کردند.

وَلَوْ كَانُوا كَذَلِكَ لَخَرَجُوا مِنْ حُدُودِ الْإِنْسَانِيَّةِ
إِلَى حَدِّ الْبَهِيمِيَّةِ،

و اگر چنین می‌بود، از مرز انسانیت بیرون می‌رفتند و به مرتبهٔ حیوانیت سقوط می‌کردند

فَكَانُوا كَمَا وَصَفَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ: ﴿إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾.

درست همان گونه که در کتاب محکم خود توصیفشان کرده: «آن‌ها جز به چهارپایان نمی‌مانند، بلکه از آنان گمراه‌ترند.»

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا عَرَّفَنَا مِنْ نَفْسِهِ، وَاللَّهْمَا مِنْ شُكْرِهِ،

و همه سپاس خدایی را که خود را به ما شناساند، و شکرگزاری‌اش را به دل ما الهام کرد،

وَفَتَحَ لَنَا مِنْ أَبْوَابِ الْعِلْمِ بِرُبُوبِيَّتِهِ،

و درهای شناخت پروردگاری‌اش را به رویمان گشود،

وَدَلَّنَا عَلَيْهِ مِنَ الْإِخْلَاصِ لَهُ فِي تَوْحِيدِهِ وَجَنَّبَنَا مِنَ الْإِلْحَادِ وَالشَّلَكِ فِي أَمْرِهِ،

و ما را بر اخلاص و رزی در توحید و یگانگی‌اش رهنمون شد، و از بی‌راهه شک و انکار درباره خود دورنگه داشت.

حَمْدًا نَعْمَرُّ بِهِ فِيمَنْ حَمَدَهُ مِنْ خَلْقِهِ، وَنَسْبِقُ بِهِ مَنْ سَبَقَ إِلَى رِضَاهُ وَعَفْوِهِ،

سپاسی که با آن در زمره بندگان سپاسگزارش عمر بگذرانیم، و به این وسیله، از پیش‌تازان در جلب رضایت و بخشش او پیشی بگیریم.

حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرَزَخِ، وَيُسَهِّلُ عَلَيْنَا
بِهِ سَبِيلَ الْمَبْعَثِ،

سپاسی که با نورش تاریکی‌های برزخ را برای ما روشن کند،
وراه قیامت را بر ما آسان سازد،

وَيُشْرِفُ بِهِ مَنَازِلَنَا عِنْدَ مَوَاقِفِ الْأَشْهَادِ يَوْمَ
«تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا
يُظْلَمُونَ» «يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَى عَنْ مَوْلَى شَيْئًا وَلَا
هُمْ يُنصَرُونَ».

و جایگاه ما را در برابر نگاه گواهان روز حساب، بلند و سربلند
گرداند؛ آن روزی که: «هر کسی در برابر آنچه کرده،
پاداش می‌بیند و به کسی ستم نمی‌شود». و «روزی که هیچ
دوستی نمی‌تواند به دوستی دیگر سودی برساند، و هرگز یاری
نمی‌شوند».

حَمْدًا يَرْتَفِعُ مِنَّا إِلَى أَعْلَى عِلِّيِّينَ ﴿ فِي كِتَابِ
مَرْقُومٍ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴾.

سپاسی که از دل ما برخیزد و به بلندترین جایگاه‌ها در عِلِّیِّین
بالا رود؛ «در نوشته‌ای ثبت شده، که مقربان بر آن گواهی
می‌دهند».

حَمْدًا تَقَرُّ بِهِ عُيُونُنَا إِذَا بَرَقَتِ الْأَبْصَارُ، وَتَبْيَضُّ
بِهِ وُجُوهُنَا إِذَا اسْوَدَّتِ الْأَبْشَارُ

سپاسی که سبب روشنی چشمانمان گردد، آن گاه که
دیدها خیره می شوند؛ و سبب سپیدرویی ما شود، زمانی که
چهره ها از ترس تیره گردند.

حَمْدًا نُعْتَقُ بِهِ مِنْ أَلِيمِ نَارِ اللَّهِ إِلَى كَرِيمِ جِوَارِ
اللَّهِ،

سپاسی که ما را از آتش دردناک خدا رهایی بخشد و به جوار پر
مهر و بخشایش او برسیم.

حَمْدًا نَزَاحِمُ بِهِ مَلَائِكَتَهُ الْمُقَرَّبِينَ، وَنُضَامُ بِهِ
أَنْبِيََاءَهُ الْمُرْسَلِينَ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ الَّتِي لَا تَزُولُ
وَمَحَلِّ كَرَامَتِهِ الَّتِي لَا تَحُولُ.

آنچنان حمد و سپاسی که ما را با فرشتگان مقرب او همنشین
سازد و در آن سرای جاوید که هرگز زوال نمی پذیرد، و جایگاه
کرامت او هیچ گاه دگرگون نمی شود، با پیامبران مرسلش
هم نشین گرداند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَحَاسِنَ الْخُلُقِ،
وَأَجْرَى عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرِّزْقِ،

و سپاس خدایی را که زیباترین خلق و خواها را برای ما برگزید،
و روزی های پاک و نیکو را بر ما جاری ساخت،

وَجَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلْقِ،

و تاج برتری بر همه مخلوقات را بر سر ما نهاد

فَكُلُّ خَلِيقَتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَصَائِرُهُ إِلَى

طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ،

پس تمام مخلوقاتش با قدرت او فرمانبر ما شده اند، و با عزت او، در مسیر فرمان برداری از ما قرار گرفته اند.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَنَّا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ،

فَكَيْفَ نَطِيقُ حَمْدَهُ؟ أَمْ مَتَى نُؤَدِّي شُكْرَهُ؟ لَا،

مَتَى؟

و همه سپاس خدای را که در نیازمندی را جز به سوی خودش بر ما بسته است، پس چگونه می توانیم که از عهده سپاسش بر آییم؟ و یا اینکه چه زمانی می توانیم شکرش را به جای آوریم؟ نه! نمی توانیم و کی توان آن را داریم؟

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَكَّبَ فِيْنَا آلَاتِ الْبَسْطِ، وَجَعَلَ

لَنَا أَدَوَاتِ الْقَبْضِ،

و همه ستایش از آن خدایی است که ابزار گستردن و بسط را در ما نهاد، و ابزار فرو بستن و نگاه داشتن را به ما عطا کرد.

وَمَتَّعَنَا بِأَرْوَاحِ الْحَيَاةِ، وَأَثْبَتَ فِينَا جَوَارِحَ الْأَعْمَالِ،
و ما را از روح زندگی بهره‌مند کرد، و اعضای انجام‌دادن کار
به ما مرحمت فرمود

وَعَذَّانَا بِطَيِّبَاتِ الرِّزْقِ، وَأَغْنَانَا بِفَضْلِهِ، وَأَقْنَانَا
بِمَنِّهِ،

با روزی‌های پاکیزه ما را پروراند، و به فضل خویش بی‌نیازمان
ساخت، و با نعمتش ما را بهره‌مند و توانگر کرد.

ثُمَّ أَمَرَنَا لِيُخْتَبَرَ طَاعَتَنَا، وَنَهَانَا لِيَبْتَلَى شُكْرَنَا،
آنگاه به ما فرمان داد تا اطاعت‌مان را بیازماید، و ما را از انجام
محرمات نهی کرد تا شکرمان را بسنجد؛

فَخَالَفْنَا عَنْ طَرِيقِ أَمْرِهِ وَرَكِبْنَا مُتُونَ زَجَرِهِ
اما از فرمان او سرپیچی کردیم، و بر مسیرهایی قدم گذاشتیم
که نهی‌مان کرده بود.

فَلَمْ يَبْتَدِرْنَا بِعُقُوبَتِهِ، وَلَمْ يُعَاجِلْنَا بِنِقْمَتِهِ،
با این همه به کیفر زود هنگام ما اقدام نکرد و در انتقامش
شتاب نورزید.

بَلْ تَأَنَّنَا بِرَحْمَتِهِ تَكْرُمًا، وَانْتَظَر مُرَاجَعَتَنَا
بِرَأْفَتِهِ حِلْمًا.

بلکه از روی کرم و مهربانی، با رحمتش با ما مدارا کرد و با
رافت و بردباری، چشم به بازگشتمان دوخت.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي دَلَّنَا عَلَى التَّوْبَةِ الَّتِي لَمْ نُفِدْهَا
إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ،

و تمام سپاس خداوند را که ما را به توبه‌ای رهنمون ساخت
که جز به فضل او به آن دست نیافتیم.

فَلَوْلَمْ نَعْتَدِ مِنْ فَضْلِهِ إِلَّا بِهَا، لَقَدْ حَسَنَ بَلَاؤُهُ
عِنْدَنَا، وَجَلَّ إِحْسَانُهُ إِلَيْنَا، وَجَسَمَ فَضْلُهُ عَلَيْنَا

اگر از فضل خدا جز همین توبه را به شمار نیاوریم، قطعاً
نعمتش در حق ما نیکو، و احسانش بر ما بزرگ، و فضلش بر
ما تمام بود.

فَمَا هَكَذَا كَانَتْ سُنَّتُهُ فِي التَّوْبَةِ لِمَنْ كَانَ
قَبْلَنَا، لَقَدْ وَضَعَ عَنَّا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ،

زیرا روش او در توبه برای پیشینیان ما چنین نبود؛ او آنچه که
توان تحملش را نداشتیم از دوش ما برداشت،

وَلَمْ يُكَلِّفْنَا إِلَّا وُسْعًا، وَلَمْ يُجَشِّمْنَا إِلَّا يُسْرًا، وَلَمْ
يَدْعُ لِأَحَدٍ مِنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا،

و جز به اندازه توانمان تکلیف نکرد، و جز آسانی برمانخواست،
و برای هیچ‌یک از ما حجت و عذری باقی نگذاشت.

فَالْهَالِكُ مِنَّا مَنْ هَلَكَ عَلَيْهِ، وَالسَّعِيدُ مِنَّا مَنْ
رَغِبَ إِلَيْهِ.

پس هر که از ما هلاک شود، به سبب مخالفت با او هلاک
شده، و هر که از ما سعادتمند گردد، کسی است که به
سوی او روی آورده است.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ بِكُلِّ مَا حَمَدَهُ بِهِ أَذْنَى مَلَائِكَتِهِ إِلَيْهِ،
وَأَكْرَمُ خَلِيقَتِهِ عَلَيْهِ، وَأَرْضَى حَامِدِيهِ لَدَيْهِ

و سپاس خدای را، به کامل‌ترین سپاسی که نزدیک‌ترین
فرشتگانش، و گرامی‌ترین آفریدگانش، و پسندیده‌ترین
ستایشگران او را بدان ستوده‌اند

حَمْدًا يُفْضَلُ سَائِرُ الْحَمْدِ كَفَضْلِ رَبَّنَا عَلَى جَمِيعِ
خَلْقِهِ.

سپاسی که بر دیگر سپاس‌ها برتری یابد همچون برتری
پروردگارمان بر همه آفریدگانش.

ثُمَّ لَهُ الْحَمْدُ مَكَانَ كُلِّ نِعْمَةٍ لَهُ عَلَيْنَا وَعَلَى
جَمِيعِ عِبَادِهِ الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ عَدَدَ مَا أَحَاطَ
بِهِ عِلْمُهُ مِنْ جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ، وَمَكَانَ كُلِّ وَاحِدَةٍ
مِنْهَا عَدْدُهَا أَضْعَافاً مُضَاعَفَةً أَبَداً سَرْمَداً إِلَى
يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

و باز هم تمام سپاس و حمد او را در برابر هر نعمتی که به
ما و به همه بندگان گذشته و آینده اش ارزانی داشته است،
سپاسی به عدد تمام آن چیزهایی که دانش او بر آن احاطه
دارد. و برای هر یک از آن نعمت‌ها، به همان تعداد، بلکه
چندین برابر، حمد و سپاس جاودانه و پیوسته تا روز رستاخیز.

حَمْدًا لَا مُنْتَهَى لِحَدِّهِ، وَلَا حِسَابَ لِعَدَدِهِ، وَلَا
مَبْلَغَ لِعَايَتِهِ، وَلَا انْقِطَاعَ لِأَمَدِهِ

سپاسی بی پایان و بی حد، که بی شمار است، و مرزی برای
پایانش نیست، و هیچ گاه به آخر نمی رسد.

حَمْدًا يَكُونُ وَصْلَةً إِلَى طَاعَتِهِ وَعَفْوِهِ، وَسَبَباً إِلَى
رِضْوَانِهِ،

سپاسی که ما را به بندگی و بخشش او پیوند دهد، و سبب
خشنودی اش گردد

وَذَرِيعَةً إِلَى مَغْفِرَتِهِ، وَطَرِيقاً إِلَى جَنَّتِهِ، وَخَفِيرًا
مِنْ نِقْمَتِهِ، وَأَمْنًا مِنْ غَضَبِهِ،

و وسیله‌ای برای آمرزش او، و راهی به سوی بهشت او، و ایمنی
از خشم او باشد

و ظَهِيرًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَحَاجِزًا عَنْ مَعْصِيَتِهِ، وَعَوْنًا
عَلَى تَأْدِيَةِ حَقِّهِ وَوُظَائِفِهِ،

ستایشی که یاور ما در راه اطاعتش، و مانع از نافرمانی‌اش، و
کمک‌کار در ادای حقش و وظایف بندگی‌اش باشد.

حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُ
بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهْدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ، إِنَّهُ وَلِيُّ
حَمِيدٌ.

ستایشی که به سبب آن در زمرهٔ دوستان نیکبختش قرار
گیریم، و در صف شهیدانی جای گیریم که با شمشیر
دشمنانش به شهادت رسیده‌اند که اوقطعاً سرپرستی ستوده
است.

۱. در برخی نسخه‌ها: بَرَقَتْ

۲. در برخی نسخه‌ها: الْخُلُقِ